

نخستین کاربردهای اصطلاح اثنی عشریه^۱



○ اتان کلبرگ

○ ترجمه محمد کاظم رحمتی

العلویه یاد شده است.^۲ معاصران امام موسی کاظم (ع) که بر وفات آن حضرت تاکید کرده‌اند و فرزندشان علی الرضا (ع) را به عنوان هشتمین امام پذیرفته‌اند، به عنوان قطعیه یاد شده‌اند.^۳ هر دو فرق‌نگار، کار خود را با تشریح فرق شیعه که در پی وفات یازدهمین امام، حسن عسکری (ع) در سال ۸۷۴/ق/۲۶۰م پدید آمده، پایان داده‌اند. نوبختی از چهارده فرقه سخن می‌گوید،^۴ یکی از آنها دوازدهمین فرقه در شمارش نوبختی، امامیه است.^۵ نوبختی اعضاء این فرقه را این گونه توصیف می‌کند: «کسانی که معتقدند، امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرده، فرزندی از پس خود به عنوان حجت بر جا نهاده است. این پسر در خفا است و نام او می‌بایست همچو رازی پنهان بماند». وصف مشابهی را سعد بن عبدالله در وصف امامیه ارایه کرده است. در فهرست وی امامیه نخستین فرقه از پانزده فرقه پدید آمده بعد از وفات امام حسن عسکری (ع) هستند.^۶ نوبختی و اشعری هیچ کدام به روشنی بیان نمی‌کنند که عقیده امامیه در شمار ائمه، دوازده تن است. دیگر مؤلف فعال در این دوره، داعی اسماعیلی ابوحاتم رازی (متوفی ۳۲۲/ق/۹۳۴م) است. در بخش ملل و نحل کتاب الزینه او سه انشعاب عمده شیعه را یاد می‌کند: کیسانیه، واقفه و زیدیه.^۷ یکی از فرق رافضه،

با آغاز دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹/ق/۹۴۱-۸۷۴م) کتب امامی ارجاعات فراوانی از عقیده به دوازده امام را دربردارند.^۸ اهمیت این عقیده با اظهار اصطلاح اثنی عشریه بیان شده که در کنار اصطلاح قدیمی‌تر امامیه مورد استناد قرار گرفته است. در سطور ذیل تلاشی صورت گرفته تا مؤیدات این اصطلاح در برخی متون قدیمی‌تر شناسایی گردد.

بخش نخست

واژگانی که در دوره غیبت صغری مورد استفاده بوده را می‌توان به بهترین وجه از دو اثر فرق‌نگاری معاصر هم در این دوره شناخت. این آثار، قدیمی‌ترین متن‌های موجود ملل و نحل نگاری توسط عالمان امامی هستند. کتاب فرق الشیعه نوشته حسن بن موسی نوبختی (متوفی بین ۳۰۰ و ۳۱۰/ق/۹۱۲-۹۲۲م) و کتاب المقالات و الفرق نوشته سعد بن عبدالله اشعری قمی (متوفی ۲۹۹/ق/۱۱۲-۱۱۱م یا ۳۰۱/ق/۱۱۳-۹۱۳م).^۹ در هر دو کتاب واژه‌های متعدد رایج برای گروه‌های هوادار شیعه در دوره قبل از غیبت استفاده شده است. افراد این فرق معمولاً با واژه‌های اصحاب یا شیعیان امام خاصی معرفی شده‌اند. تنها یک جا از آنان به عنوان الشیعه



قطعیه است. قطعیه (در مفهوم متوسع کلمه) این گونه وصف شده‌اند: معتقدان به امامت علی الرضا (ع) و برخی از نوادگان امام رضا^{۱۰} از میان قطعیه، کسانی که امامت حسن عسکری علیه السلام را پذیرفته‌اند و بعد از وفات امام به یازده فرقه انشعاب یافته‌اند که هیچ کدام از آنها با نام خاصی شناخته نبوده‌اند. (ولیسث لهم/لها القاب مشهوره)^{۱۱}. در میان این فرقه، یک فرقه نیز توصیف نشده‌اند که دقیقاً همان توصیفاتی که سعد بن عبدالله اشعری برای امامیه آورده، داشته باشند. نزدیکترین فرقه به امامیه، که ابوحاتم رازی ذکر نموده، گروه ششم است: آنها بر این اعتقادند که حسن عسکری (ع) درگذشت و فرزندی دو ساله که محمد نامیده شده، بر جانشانده است. که او نیز از دید دشمنانش در خفا است. او امام قائم است.^{۱۲} از کتب ملل و نحل که غیر شیعیان نگاشته‌اند، دو اثر شایسته ذکر هستند. نخستین اثر، کتاب مقالات الاسلامیین نگاشته مؤلف معتزلی ابوالقاسم بلخی (متوفی ۳۱۹ق/۹۳۱م) است که تنها بخشی از آن برجامانده^{۱۳} و قاضی عبدالجبار به صورت منتخبی آن را نقل کرده است.^{۱۴} بلخی برخی از اصول مهم امامیه را بر شمرده، از جمله این عقیده که پیامبر به نص جلی، علی (ع) را به عنوان جانشین خود برگزید و اکثر صحابه مرتد شده‌اند. بلخی سپس از قطعیه یاد کرده که در روزگار وی رهبران امامیه و اکثریت آنها از این فرقه‌اند (وجوه الامامیه و اکثرهم عنهم) و ادعا دارند یازدهمین امام حسن بن علی است. (یعنی امام حسن عسکری علیه السلام). بلخی می‌افزاید: حسن بن علی در روزگار ما درگذشت و هیچ خلفی بر جا ننهاده و این گونه امر بر شیعیان مشتبه گردید.^{۱۵} در این منتخب هیچ نشانی بر گروهی که عقیده به امامت فرزندی از امام حسن عسکری داشته‌اند، وجود ندارد. دومین متن که آن نیز مقالات اسلامیین نامیده شده، اثر مشهور ملل و نحل نگاری ابوالحسن اشعری (متوفی ۳۲۴ق/۳۶۵-۹۳۵م) است. اشعری از امامیه همراه با رافضه که آنها را دومین فرقه از سه گروه (اصناف) که با یکدیگر شیعه را تشکیل داده‌اند، یاد کرده است.^{۱۶} نخستین گروه رافضه / امامیه (یکی از بیست و چهار فرقه) قطعیه است که به عنوان اکثریت (جمهور الشیعه) مورد اشاره قرار گرفته‌اند.^{۱۷} اشعری نام‌های دوازده امام که قطعیه به آنها اعتقاد دارند، را ذکر کرده و تاکید می‌کند که آخرین آنها، محمد بن حسن امام پنهان منتظر است (الغائب المنتظر)^{۱۸}.

ماحصل آنکه این ملل و نحل نگاران که بین سالهای ۲۹۹ق/۱۲-۹۱۱ و ۳۲۴ق/۳۶۵-۹۳۵م وفات کرده‌اند، میزان آگاهی متفاوتی از عقیده دوازده امام نشان می‌دهند، اما هیچ کدام اصطلاح اثنی عشریه را استفاده نکرده‌اند.

بخش دوم

در اثر مؤلف مشهور ابوالحسن مسعودی (متوفی ۳۴۵ق/۹۶۵م)، مروج الذهب، در چند جا از امامیه یا اهل الامامه یاد کرده است.^{۱۹} مهمترین اشاره صریح به عقیده به دوازده امام در عبارت ذیل است: «در سال ۲۶۰ق (۸۷۴م) امام حسن عسکری علیه السلام در دوره خلافت معتمد در سن بیست و نه سالگی وفات نمود. او پدر مهدی منتظر است، یکی از دوازده

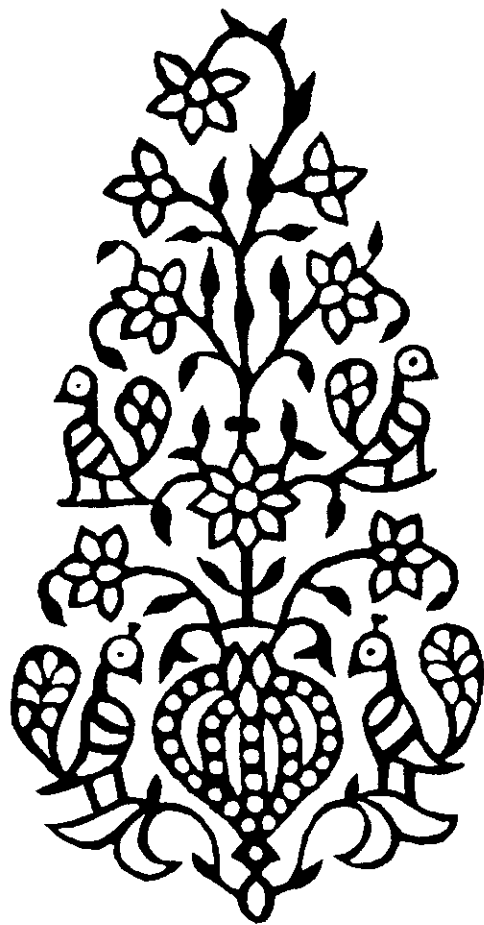
امام در نزد قطعیه از فرق امامیه که اکثریت شیعه هستند (و هو ابوالمهدی المنتظر و الامام الاثناعشر عند القطعیه من الامامیه و هم جمهور الشیعه)^{۲۰}. مسعودی می‌افزاید که بعد از وفات امام حسن عسکری قطعیه در مسئله شناخت مهدی منتظر به بیست گروه تقسیم شد. مسعودی در مورد جزئیات، خوانده‌اش را به دو کتاب دیگر خود، سر الحیاة و کتاب المقالات فی اصول الدیانات ارجاع می‌دهد.^{۲۱} جای دیگر او اهل الامامة را به عنوان معتقدانی که قائل به آن هستند، امامت از علی علیه السلام به دیگران و نهایتاً به صاحب الوقت رسیده، معرفی می‌کند.^{۲۲} او ادامه می‌دهد: در زمان ما که سال ۳۳۲ق/۹۴۴-۹۴۳م است، اهل الامامة از میان فرق شیعه بیش از دیگران درباره غیبت و عمل به تقیه سخن می‌گویند.^{۲۳}

اصطلاح اثنی عشریه تنها یک بار در آثار موجود مسعودی به کار رفته است. این اصطلاح در متنی که احتمالاً آخرین کتاب مسعودی است، در التنبيه و الاشراف (نگاشته شده در سال ۴۵-۳۴۴ق/۵۶-۹۵۵م) به کار رفته است.^{۲۴} در اینجا مسعودی می‌گوید که در آثار قدیمی‌تر (فیما سالف من کتبنا) او دیدگاه‌های مختلف از جمله قطعیه را ذکر کرده است، او سپس به دو گروه میان قطعیه اشاره نموده است نخستین آن‌ها اثناعشریه هستند که معتقدند در زمان ما، امام منتظر، محمد بن حسن بن علی علیهما السلام است. مبنای عقیده آنها بر این است که تنها دوازده امام خواهد بود، بر اساس حدیث مذکور در کتاب سلیم بن قیس که پیامبر به علی علیه السلام گفته‌اند: «تو و دوازده تن از نوادگانت، امامان حق هستند» (انت و اثنا عشر من ولدک ائمة الحق).^{۲۵} دومین گروه اصحاب النسق هستند. آنها مدعی‌اند که در هر نسلی امامی الهی و منصوص وجود دارد، چه آشکار و چه پنهان. اما آنها پیرو شمار خاصی از امامان یا زمان خاصی برای آمدن مهدی نیستند. (و اصحاب النسق القائلون بأن الله عزوجل لا یخل کل عصر من امام قائم لله بحق، ظاهر ام باطن و لم یقطعوا علی عدد محصور و لا وقت معین مفهوم).^{۲۶}

آثار قدیمی‌تر که مسعودی به آنها در این عبارت اشاره دارد، باقی نمانده‌اند و این برای ما در ابهام باقی می‌ماند که چه اخباری درباره تقسیم قطعیه به دو دسته در بر داشته‌اند. همچنین این مشخص نیست که این دو دسته چه ربطی به بیست گروه ذکر شده در مروج الذهب داشته‌اند.

این عبارت نیز از کتاب التنبيه مهم است که در آن نشانی احتمالی از تمایلات مسعودی نیز در اختیار ما قرار می‌دهد. شیعه بودن مسعودی، امر مدلی است. برخی محققان فراتر رفته و او را به عنوان عالمی اثناعشری معرفی کرده‌اند.^{۲۷} گرچه این نکته چندان موافقت با گفته مسعودی در خبر درباره دوازده امام ندارد که گفته تنها در کتاب سلیم حدیث مورد بحث آمده است (و لم یرو هذا الخبر غیر سلیم بن قیس)^{۲۸}. در این صورت خبر واحد تلقی می‌گردد، زیرا تنها توسط یک تن روایت شده است. از نظر مسعودی نیز وثاقت خبر واحد وابسته به شواهد دیگری است، از جمله اعتبار منابع که خبر در آن نقل شده است.^{۲۹} از آنجایی که هیچ اظهاری در مورد کتاب سلیم در مروج الذهب و التنبيه و الاشراف وجود ندارد، امکان‌پذیر نیست که بگوییم که نظر مسعودی در مورد این خبر واحد که در کتاب سلیم آمده، چیست.^{۳۰} در هر حال این محتمل نیست که کسی با تاکید بر ذکر حدیث





دوازده امام تنها در یک مرجع، شیعه دوازده امامی باشد. اگر مسعودی خود را اثناعشری نمی‌دانسته است، شاید بتوان وی را از اصحاب نسق دانست که غیر از شیعیان دوازده امامی بوده‌اند، خاصه در مسئله تعداد ائمه. به نظر می‌رسد که این گروه (احتمالاً با یکی شدن با دوازده امامی‌ها) مدت زمانی اندک بعد وفات مسعودی از بین رفته‌اند.

بخش سوم

دو متن قدیمی اسماعیلی به تازگی توسط مادلونگ و واکر منتشر شده‌اند. نخستین کتاب فصلی درباره شیطان (باب الشیطان) از کتاب الشجرة نوشته داعی خراسانی به نام ابوتمام که در نیمه نخست قرن چهارم هجری/دهم میلادی حیات داشته، است.^{۳۱} باب الشیطان وصفی است از هفتاد و دو فرقه مبتدع اسلامی که در سه گروه تقسیم شده‌اند و هر یک شامل بیست نخله هستند. گروه سوم مشتمل بر کسانی هستند که مدعی‌اند، نخستین امام بعد از پیامبر علی بن ابی طالب علیه السلام است. در اینجا پنج انشعاب متمایز شده است: زیدیه، کیسانیه، عباسیه، غالیه و

امامیه (مذهب الامامیه و هو الرافضه)^{۳۲} اصطلاح اثناعشریه در چند مورد ذکر شده است.

الف: در وصف حربیه (گروهی از کیسانیه) ابوتمام می‌گوید که بعد از وفات آنها ابوهاشم، عبدالله بن عمر بن حرب را به امامت شناخته و بعد از وفات او، عبدالله بن معاویه (نوه ارشد برادر علی بن جعفر)، بعد از وفات عبدالله بن معاویه (در سال ۱۲۹ق/۴۷-۷۴۶م) آنها به سه گروه تقسیم شده‌اند (اصناف). گروه سوم بر این عقیده هستند که عبدالله بن عمر و عبدالله بن معاویه امامان مشروع نبوده‌اند و امام بعد از ابوهاشم علی بن حسن بن علی بن ابی طالب (یعنی زین العابدین) و بعد از وی امام محمد باقر علیه السلام است. ابوتمام می‌افزاید: این گروه، همراهی با امامیه دوازده امامی است، دو گروه توافق کامل با هم دارند (و اجتمع هذا الصنف مع الامامیه الاثناعشریه و اتفقوا علی کلام واحد).^{۳۳}

ب: یکی از گروه‌های غلات که ابوتمام ذکر کرده، منصوریه است. ابوتمام می‌گوید: بعد از مؤسس فرقه، ابومنصور عجلی، پیروانش به دو گروه تقسیم شدند. گروه دوم ادعا کردند که امام بعد از ابومنصور، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب است (مشهور به نفس زکیه) و بعد از وی برادرش، ابراهیم امام بوده است. امام بعد از ابراهیم، موسی بن جعفر (یعنی موسی الکاظم) است. از نگاه ابوتمام، آنها در نهایت بخشی از دوازده امامیه قطعیه گردیده‌اند (و صاروا فی جملة القطعیه الاثناعشریه).^{۳۴}

ج: در وصف مفضلیه (کسانی که دومین نخله امامیه یاد شده‌اند)^{۳۵}، ابوتمام می‌گوید که آنها چهار دسته‌اند. نخستین دسته به عنوان پرشمارترین آنها معرفی شده‌اند و کسانی هستند که مدعی‌اند امام بعد از پیامبر، که خدا از او و خاندانش خشنود باد، علی بن ابی طالب است، سپس حسن و حسین و بعد از آنها علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد و سپس موسی بن جعفر و سپس علی بن موسی. بعد از او محمد بن علی و علی بن محمد و سپس حسن بن علی و محمد بن حسن. بر طبق نظر آنها محمد بن حسن وفات نکرده و نخواهد مرد تا قیام کند و زمین را به عدل پر کند. آن گونه که اکنون انباشته از ظلم و تباهی است. اینان امامیه اثنی عشریه هستند.^{۳۶} گروه دوم مفضلیه نیز پیرو این دوازده امام اند، اما ادعا دارند که بعد از محمد بن حسن، قائمی خواهد بود که وی به پا خواهد خواست و زمین را از عدل پر می‌کند و آن را در تملک خود می‌گیرد. قائم، مهدی موعود است. ابوتمام می‌افزاید: با این حال حتی اینان خود را از جمله دوازده امامی‌ها می‌دانند (و هم یعدون انفسهم من الاثنا عشریه)، چرا که ادعا دارند، شمارش ائمه از حسن بن علی علیه السلام شروع می‌شود. از نظر آنها علی یکی از دوازده امام نبوده، چرا که وی برتر از آنان است و امام و وصی بوده است.^{۳۷}

دسته سوم ادعا دارند که چهارده امام خواهد بود (سه امام آخر، محمد بن حسن، امامی که نام برده نشده و مهدی منتظر).^{۳۸} ابوتمام می‌گوید: با این حال این گروه نیز خود را در زمره دوازده امامی‌ها می‌دانند (و هولاء ایضاً یعدون انفسهم من الاثناعشریه) زیرا آنها اصرار دارند که دوازده امام همگی از فرزندان حسین هستند و علی و حسن در زمره آنها نیستند.^{۳۹}

ابوتمام فرقه‌ای به نام اثنا عشریه (با نام‌های دیگر امامیه اثنی عشریه، قطیعه اثنا عشریه) را می‌شناخته، اما آنها را در ذیل عنوان جدایی تحت این نام نیامورده است. واکر اشاره کرده که بین عبارت ابوتمام و فهرست فرق در مفاتیح العلوم خوارزمی شباهتهایی وجود دارد، کتابی که در دربار سامانی در خراسان حدود ۳۷۰/ق/۸۸۱-۹۸۰م یا اندکی قبل‌تر نوشته شده است.^{۲۰} عبارت خوارزمی خلاصه‌تر است و ارجاعات ابوتمام به اثنا عشریه را ندارد. با این حال خوارزمی اسامی و القاب امامان را بر طبق مذهب دوازده امامیه ذکر کرده است (علی مذهب اثنا عشریه).^{۲۱}

دومین متن منتشر شده توسط مادلونگ و واکر، کتاب المناظرات، خاطرات شخصی نوشته شده توسط ابن‌هیثم است که مجالس خود و گفتگوهایش را با دو امیر اسماعیلی ابوعبدالله (مشهور به شیعی) و برادرش ابوالعباس ثبت کرده است. نخستین مجلس با ابوعبدالله در مغربی، روستایی از رقا در سوم رجب ۲۹۲/ق/۲۷ مارس ۹۰۹م انجام شده است.^{۲۲} یکی از موضوعات مورد بحث اختلاف میان پیروان شیعه بعد از وفات جعفر صادق (علیه السلام) است. بعد از وصف شماری از گروه‌هایی که در آن زمان شکل گرفته بودند، ابن‌هیثم ادامه می‌دهد: اکثریت شیعه تاکید دارند که امامت به موسی رسید، سپس به فرزندش، علی بن موسی الرضا. وی همان امامی است که مامون خلیفه عباسی او را به شهادت رساند، بعد از آن که امام رضا (علیه السلام) را داماد خود نمود و دخترش را به عقد ایشان درآورد. زان پس، امامت به فرزند او رسید، محمد بن علی، سپس حسن بن علی و بعد از او محمد بن حسن و آنها واصله (اثنی عشریه) هستند. آنها ادعا دارند که شمار ائمه دوازده‌تن است و امامت تنها از پدر به پسر می‌رسد و نه برادر و امامت بین دو برادر بعد از حسن و حسین باقی نمی‌ماند.^{۲۳} ابن‌هیثم در ادامه ردیه ابوعبدالله بر عقیده دوازده امامیه را ذکر کرده است.^{۲۴}

دو نکته جالب توجه در این عبارت وجود دارد. نخست اصطلاح واصله است که در جایی دیگر به نظر نمی‌رسد، آمده باشد. این واژه در اشاره به کسانی که در جای‌های دیگر به عنوان قطیعه شناخته می‌شوند، به کار رفته است. (قطیعه به نوبه خود نامی است که ابن‌هیثم در اشاره به گروهی که معمولاً واقفه نامیده می‌شود، به کار برده است، یعنی کسانی که بر امامت موسی کاظم توقف نمودند).^{۲۵} نکته دوم درباره اصطلاح اثنا عشریه است. اگر نوشته ابن‌هیثم، نقل کاملی از گفتگوهای انجام شده در رقا در اثبات می‌کند که این واژه بیشتر در حدود سی و پنج سال قبل بعد از وفات [امام] حسن عسکری به کار می‌رفته است. این را باید در خاطر داشت که ابن‌هیثم خاطراتش را در تاریخی نه چندان قبل از ۳۳۴/ق/۹۴۶م نگاشته، هنگامی که او در حدود شصت سالگی بوده است.^{۲۶} این احتمال را نمی‌توان منتفی دانست که او اطلاعاتی را در سالهای میانی بین گفتگوهایش با ابوعبدالله و تالیف کتاب بدست آورده است.

بخش چهارم

مؤلفان دوازده امامی دوره آل بویه (۳۳۴-۴۴۷/ق/۱۰۵۵-۹۴۵) واژه‌های گوناگونی در اشاره به مذهب خودشان چون الامامیه، الشیعه، الطائفة، الفرقة المحقة و المذهب به کار برده‌اند. چرا اصطلاح اثنی عشریه

به کار نرفته است؟ از بررسی بخش عمده متون امامی آن دوره نتایج ذیل را می‌توان گرفت.^{۲۷}

دو اشاره به اثنا عشریه در الفصول المختاره نوشته شریف مرتضی (متوفی ۴۳۶/ق/۱۰۴۴م) وجود دارد. در این کتاب شریف مرتضی گزیده‌ای از برخی کتب استادش، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳/ق/۱۰۲۲م) را به خصوص کتاب العیون و المحاسن ثبت کرده است. هر دو ارجاع در بخش تفصیلی تقسیمات تاریخی درون جامعه شیعه آمده است.^{۲۸} در تذکری شیخ مفید در رد ادعای کیسانیه گفته، آنها مدعی‌اند که محمد بن حنفیه مهدی است. شیخ مفید استدلال‌هایی را در حمایت از عقیده الامامیه اثنا عشریه درباره مهدی ذکر کرده است. به عنوان مثال نام و کنیه مهدی در نزد امامیه اثنی عشریه، نام و کنیه پیامبر است.^{۲۹}

دومین ارجاع در انتهای آخر این عبارت آمده است. در اینجا شیخ مفید شمارش چهارده گانه فرق امامیه را به روایت نویختی نقل کرده است که بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام پدید آمده و سپس می‌گوید: در روزگار ما یعنی در سال ۳۷۳/ق/۸۴-۹۸۳م هیچ یک از این فرقه‌ها که ذکر کردیم، وجود ندارند. تنها استثناء امامیه اثنی عشریه هستند، کسانی که معتقد به امامت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام هستند، فردی هم نام رسول خدا (ص)... آنها بیشترین و فاضلترین فرقه شیعه هستند.^{۳۰} ارجاع دیگر در رساله کوتاه شریف مرتضی با عنوان الحال بعد امام الزمان (یا بعد الحجة المنتظر) فی الامامة است.^{۳۱} در این رساله، مرتضی و مخاطب ناشناس وی در دو نکته توافق دارند. مسأله نخست این است، تا آن زمان که آدمی در حال تکلیف است (یعنی بر فرد انجام امور دینی واجب است) باید امامی باشد که عقاید مؤمنان را حفظ کند و آنان نیز باید تابع او باشند (مقتضی الطاعة). نکته دوم این است که آمدن امام دوازدهم ضرورتاً به معنی پایان یافتن تکلیف نیست و مردمان می‌توانند نه تنها در زمان امام عصر که در زمان بعد از وفات وی در حالت تکلیف باقی بمانند. فرد مخاطب به این مطلب اشاره کرده، اگر ما فرض کنیم که حالت تکلیف بعد از زمان مهدی علیه السلام باقی می‌ماند، این مستلزم آن است که بعد از ایشان، امامی باشد و اگر چنین است، اشاره به دوازده امام بعد از آن چندان مناسب نخواهد بود.^{۳۲}

مرتضی در پاسخ خود می‌گوید: این محتمل است که بعد از مهدی امامانی باشند که از دین و اعتقادات مؤمنان مراقبت کنند. او استدلال می‌کند که این تناقضی با عقیده به دوازده امام ندارد، چرا که این عقیده مبتنی است بر اصل دوازده امام. مرتضی بنظر می‌رسد که بین دو دسته امام تفاوت می‌گذارد؛ دوازده امام و کسانی که بعد از مهدی خواهند بود. در این مورد او بازتاب دهنده روایات قدیمی‌تر است که از بدست‌گیری قدرت بعد از زمان تصدی حکومت توسط مهدی (علیه السلام) در دست اولیاء خدا سخن می‌گوید یا مردانی از اهل بیت (رجال من اهل البيت).^{۳۳} مرتضی ادامه داده، می‌گوید: این عقیده ما را از زمره اثنا عشریه خارج نمی‌کند، چرا که در نظر ما این نام تنها بر کسانی اطلاق می‌شود که به وجود دوازده امام تاکید دارند. از آنجایی که ما نیز بر این عقیده تاکید داریم و کسی دیگر با ما در این عقیده توافق ندارد، ما تنها کسانی هستیم که به این نام خوانده



تکمله

نکاتی در مورد دو کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری و فرق الشیعه منسوب به نوبختی
● محمد کاظم رحمتی

سنت نگارش آثاری با عنوان ملل و نحل در فرهنگ و سنت اسلامی موجب پدید آمدن آثار مختلفی با نام‌های گوناگون و از همه معروف‌تر المقالات گردیده است.^{۲۷} در این میان دو اثر چاپ شده با نام‌های المقالات و الفرق نوشته سعد بن عبدالله اشعری (م ۲۹۳ق) و کتاب فرق الشیعه نگاشته ابومحمد حسن بن موسی نوبختی معدود آثاری هستند که با هدف ذکر فرق شیعه نگارش یافته‌اند.^{۲۸} با این وجود نکته‌ای که از همان آغاز چاپ این دو کتاب توجه محققان را به خود جلب کرد، همانندی بین دو متن است.^{۲۹}

ویلفرد مادلونگ در نوشتاری با عنوان «ملاحظات پیرامون کتابشناسی فرق امامی» این مساله را بیشتر بررسی کرده است.^{۳۰} نتایجی که وی از سنجش دو کتاب گرفته است، عبارتند از:

۱. متن دو کتاب که شباهت‌های متعددی با یکدیگر دارند، از آن دو نفر می‌باشند (ص ۵۸)

۲. کتاب فرق الشیعه نوبختی را نباید روایت کوتاه شده‌ای از کتاب المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری دانست. (ص ۵۸)

۳. کتاب نوبختی قبل از سال ۲۸۶ق نگاشته شده است. مستند مادلونگ در این مورد عبارت توصیف کننده قرامطه از سوی نوبختی است. نوبختی در مورد قرامطه زمان خود می‌نویسد:

«و عددهم کثیر الا انه لا شکوة لهم و لا فرة و هم بسواد الکوفة و الیمن، اکثر و لعلهم ان یکنونوا زهاء مائة الف».^{۳۱}
اما اشعری به جای این عبارت می‌نویسد:

«و قد کثر عدد هولاء القرامطه و لم یکن لهم شوكة و لا قوة و کان کلهم بسواد الکوفة و کثروا بعد ذلک بالیمن و نواحی البحر و الیمامة و ما والاها و دخل فیهم کثیر من العرب فقتلهم بهم و اظهروا امرهم».^{۳۲}

با مقایسه این دو عبارت مادلونگ می‌نویسد: «نگارش کتاب (سعد بن عبدالله) دست کم پیش از فتح احساء توسط ابو سعید جنتابی در سال ۲۸۶ق بوده است. ابو سعید یمامه را پیش از سال ۲۹۰ق فتح نکرده بود. از سوی دیگر عدم اشاره به فعالیت قرامطه در سوریه را می‌توان به معنای آن گرفت که این کتاب پیش از شورش‌های آن‌جا یعنی پیش از ۲۸۹ق نوشته شده است. انشعاب در جنبش اسماعیلیه نیز که در همان سال ۲۸۶ روی داده است در کتاب سعد به طور غیر مستقیم بازتاب یافته است».^{۳۳}

۳. کتاب نوبختی در اختیار سعد بوده است و وی اثر خویش را بر اساس آن نگاشته است. همچنین منبع نوبختی کتابی از قرن دوم بوده است که مادلونگ این منبع احتمالی را کتاب اختلاف الناس فی الامامه نوشته هشام بن حکم معرفی می‌کند. (ص ۶۰-۶۱)

می‌شویم که ما را از دیگران متمایز می‌کند.^{۳۴} سرانجام، نسب شناس دوازده امامی، ابوالحسن نجم الدین علی بن ابوالغنائم العمری نسابه (زنده به سال ۴۴۳ق/۵۲-۱۰۵۱م)^{۳۵} در اشاره به امام نهم می‌نویسد: ابوجعفر الثانی، امام الشیعه الاثناعشریه.^{۳۶}

چهار شاهد در حقیقت یافته‌های اندکی هستند.^{۳۷} خصوصاً با اهمیت نبود اصطلاح در عبارتهای مختلف در شرح حال دوازده امام است. به عنوان مثال ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ق/۹۹۱م)، هیچ گاه واژه اثناعشریه را در اعتقاد الامامیه به کار نمی‌برد.^{۳۸} این اصطلاح همچنین در عمده آثار شیخ مفید از جمله اثر مشهورش اوائل المقالات^{۳۹}، کتاب الارشاد که به شرح حال دوازده امام را در بر دارد^{۴۰} و فصول العشره فی الغیبه (نوشته شده به سال ۴۱۱ق/۱۰۲۰-۲۱م) که به عقیده غیبت امام دوازده می‌پردازد، ذکر نشده است.^{۴۱}

استفاده اندک اصطلاح اثناعشریه در کتب شیعه دوازده امامیه به دوره آل بویه می‌تواند نشانگر آن باشد که واژه فی نفسه صورت تثبیت شده‌ای نداشته است. همچنین این محتمل است که با تداوم استفاده از واژه‌های کهن‌تر، عالمان دوازده امامی شیعی تمایل بر تاکید بیشتر بر ادعای خود که تنها جانشینان مشروع پیامبر شیعیان هستند، داشته‌اند.^{۴۲} در ضمن واقعیت که برخی فقهاء دوازده امامی آن زمان این واژه را به کار نبرده‌اند نشان می‌دهد که آنها هیچ ایرادی در این کار نمی‌دیده‌اند.

در کتب ملل و نحل غیر امامی، واژه اثناعشریه توسط عبدالقاهر بغدادی (متوفی ۴۲۹ق/۱۰۳۷م) که او آنرا مترادف با قطعی به کار برده، استفاده شده است.^{۴۳} همین گونه ابوالمظفر اسفراینی (متوفی ۴۷۱ق/۱۰۷۸م) در التخصیر فی الدین^{۴۴} هیچ کدام واژه اثناعشریه را به عنوان سرفصل بخش (شیعه) استفاده نکرده‌اند. نخستین کسی که چنین کرده است، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفی ۵۴۸ق/۱۱۵۳م) در کتاب الملل و النحل (نوشته شده در سال ۵۲۱ق/۱۱۲۷م) است. از نظر او، اثنی عشریه در اصل اشاره به قطعی و انشعابات مختلف آن دارد.^{۴۵}

بخش پنجم

نتیجه آن که هیچ شاهد روشنی نیست که اصطلاح اثناعشریه در دوره غیبت صغری استفاده شده است. ارجاع این هیشم به الواصله اثنی عشریه می‌تواند مثالی از اتصال وضعیت حال به گذشته باشد و اطلاعات اندک درباره ابوتمام این را غیر ممکن می‌کند که بگوییم آیا کتاب ملل و نحلش را در دوره غیبت صغری نگاشته یا در زمان متأخرتری. قدیمی‌ترین شاهد قابل تعیین تاریخ، عبارت مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف کتابی نوشته شده در سال ۴۵-۴۴۴ق/۵۶-۹۵۵م است، در دوره آل بویه، عالمان دوازده امامی تا حد زیادی این واژه را نادیده گرفتند و ترجیح می‌دادند که اصطلاحات قدیمی‌تر چون الشیعه یا امامیه را به کار برند.^{۴۶} ابوتمام و عبدالقاهر بغدادی، مؤلفان غیر امامی ملل و نحل، از اثناعشریه سخن گفته‌اند، اما این تنها شهرستانی است که اصطلاح اثنی عشریه را در معرفی گروهی از شیعیان به کار برده است.



دلایل مادلونگ در وجود منبعی از قرن دوم در تالیف کتاب فرق الشیعه و المقالات تقریباً پذیرفتنی است،^{۷۳} گرچه این شواهد به نحو بارزتری در کتاب فرق الشیعه باقی مانده است تا کتاب اشعری.^{۷۴} اما برخلاف نظر مادلونگ مؤلف بخشهای بازتاب دهنده حوادثی از قرن دوم را احتمالاً یونس بن عبدالرحمن قمی (متوفی ۲۰۸ق) دانست.^{۷۵} نجاشی ضمن معرفی یونس بن عبدالرحمن^{۷۶} از جمله آثارش از کتابی به نام الامامه نام برده است. به سه دلیل، این نظر صائب است. نخست عبارتی مشترک از این دو کتاب در توصیف جامعه امامیه بعد از وفات امام موسی بن کاظم علیه السلام (متوفی ۱۸۳ق) است. در مورد واقفیه هر دو منبع می نویسند: و بر واقفیه گروهی از مخالفان آنها از جمله افرادی که به امامت علی بن موسی معتقد بودند، نام مملووره نهاده اند. این نام بر آنها باقی ماند و رواج یافت... امروز نیز آنها به چنین نامی شناخته می شوند (فهم یعرفون به اليوم).^{۷۸}

می دانیم سال فوت هشام بن حکم سال ۱۷۹ق است، بنابراین وی نمی تواند توصیف گر حوادثی باشد که بعد از مرگش رخ داده باشند.^{۷۷}

دلیل دوم را از سلسله سند و مطالبی از کتاب کشی و مقایسه آن با مطالب منقول در کتاب سعد می توان دریافت. کشی در ذیل شرح حال محمد بن بشیر با این سلسله سند مطالبی را نقل می کند:

«حدثني محمد بن قولويه قال حدثني سعد بن عبدالله القمي قال حدثني محمد بن عيسى بن عبيد عن عثمان بن عيسى الكلابي انه سمع محمد بن بشير...» بعد از ذکر کل روایت کشی می نویسد: «قال ابو عمرو و حدث بهذه الحكاية محمد بن عيسى العبيدي رواية له و بعضها عن يونس بن عبدالرحمن».^{۷۹}

دلیل سوم قرار داشتن محمد بن عیسی در طریق روایت کتب یونس بن عبدالرحمن است. نجاشی در بیان طریق روایت خود به کتب یونس بن عبدالرحمن می نویسد: «...حدثنا محمد بن عيسى (بن عبيد) قال حدثنا يونس (بن عبدالرحمن) بجميع كتبه».^{۸۰}

با توجه به دلایل فوق، برخی بخشهای مشترک این دو کتاب در اصل از آن یونس بن عبدالرحمن بوده است که محمد بن عیسی آنها را در کتاب الامامه خود نیز آورده است. بنابراین تشابه این دو کتاب می تواند ناشی از استفاده از این منابع مشترک نیز باشد. حتی اگر انتساب کتاب فرق الشیعه به حسن بن موسی نوبختی را منتفی بدانیم، دو متن المقالات و الفرق و کتاب فرق الشیعه، دو تحریر از یک متن واحد نیز می تواند، باشند.

پی نوشت ها:

۱- (این مقاله ترجمه ای است از:

Early Attestations of The Term Ithna Ashariyya, JSAI, ۲۴(۲۰۰۰)pp: ۳۴۳-۳۵۶.

از آقای فرانک استوارت به خاطر تذکرات سودمندش بر این مقاله سپاسگزارم.

۲- برای بحثی در این باره رک: کلبرگ، از امامیه تا اثنی عشریه.

۳- در مورد ارتباط بین این دو کتاب و منابعی که از آن اخذ شده اند، رک: مادلونگ، ملاحظات پیرامون کتابشناسی فرق امامی. (همچنین رک: تکمله، مترجم).

۴- نوبختی، فرق الشیعه، تحقیق ریتز، ص ۴۷ (تحقیق بحرالعلوم، ص ۷۳): قمی، مقالات، ص ۷۰.

۵- نوبختی، فرق، تحقیق ریتز، ص ۶۷ (تحقیق بحرالعلوم، ص ۱۰۱): قمی، مقالات، ص ۸۹. همچنین رک: منسوب به ناشی، اصول، ص ۴۷، ۴۸ (متن عربی). اصطلاح قطعیه نیز به کار رفته است (به عنوان مثال رک: مسعودی، مروج الذهب، ج ۴ ص ۲۱۶، بند ۲۵۳۲، ص ۳۴۱ بند، ۲۷۹۸). برای بحثی از معنای متفاوت اصطلاح قطعیه رک: مدرسی، بحران، ص ۶۹ پی نوشت ۳۷.

۶- نوبختی، فرق الشیعه، تحقیق ریتز، ص ۷۹ (تحقیق بحر العلوم، ص ۱۱۹). بخش اصلی درباره فرقه سیزدهم، در هر دو چاپ موجود نیست. اما در آثار بعدی نقل شده است. (مرتضی، فصول، ص ۲۶۰، سطور ۱۷-۱۹ منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۲۲). فرقه ذکر شده در هر دو چاپ ریتز و بحرالعلوم، به عنوان گروه سیزدهم در شمارش فرقه ها، در اصل گروه چهاردهم است. رک: مشکور، نوبختی، ص ۱۰۹ پی نوشت ۱ (ادعای وی کاملاً درست نیست).

۷- نوبختی، فرق، تحقیق ریتز، ص ۹۳-۹۰ (تحقیق بحر العلوم، ص ۱۳۴-۱۳۴). گروه نخست به عنوان الامامیه معرفی شده است (ریتز ص ۹۰: بحرالعلوم، ص ۱۳۱). در آخر عبارت به عنوان الشیعه الامامیه الصحیحه التشیع (ریتز، ص ۹۳: بحر العلوم، ص ۱۳۱) و جای دیگر (ریتز، ص ۹۴-۹۳: بحر العلوم، ص ۱۳۵-۱۳۴) القطعیه الخالص نامیده شده است. ۸- قمی، مقالات، ص ۱۰۶-۱۰۲. سعد بن عبدالله به آنها به عنوان الشیعه الامامیه المیهتدیه اشاره کرده است. ص ۱۰۶.

۹- رازی، زینه، ص ۲۸۶. درباره این کتاب رک: عمادالدین، عیون، ص ۱۶۸-۱۶۹. (عبارت بر عکس چاپ شده است) و بحث ایرانیکا ذیل ابوحاتم رازی نوشته هینز هالم و Halm, Reich, p: ۲۵۸ (=Empier, p: ۲۹۰).

برای معانی متعدد اصطلاح رافضه رک: کلبرگ، رافضه.

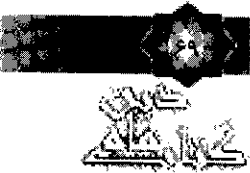
۱۰- رازی، زینه، ص ۲۹۱-۲۹۰.

۱۱- رازی، زینه، ص ۲۹۳-۲۹۲.

۱۲- رازی، زینه، ص ۲۹۳-۲۹۲. رک: نوبختی، فرق الشیعه، تحقیق ریتز، ص ۸۵-۸۴ (تحقیق بحرالعلوم، ص ۱۲۶-۱۲۵) (الفرق السادسة): قمی، مقالات، ص ۱۱۴ (الفرق الحادی عشر).

۱۳- رک: ایرانیکا، ذیل ابوالقاسم البلیخی الکعبی، نوشته ژوزف فان اس. ۱۴- عبدالجبار اشاره نمی کند که از کدام کتاب بلخی استفاده کرده، اما دآوری بر بنیای مطالب منقول، کاملاً محتمل است که وی از کتاب مقالات الاسلامیین بلخی استفاده کرده باشد.

۱۵- منقول در عبدالجبار الهمدانی، مغنی، ج ۲۰ بخش دوم، ص ۱۷۶. ۱۶- ابوالحسن اشعری، مقالات، تحقیق ریتز، ص ۱۷-۱۶: تحقیق عبدالحمید، ص ۸۸-۸۸. آن گونه که ژیماره اشاره کرده است، امامیه در کاربرد بلخی و اشعری، کیسانیه را نیز در بردارد. شهرستانی، ژیماره، ص



۴۷۶، پی نوشت اول.

۱۷- ابوالحسن اشعری، مقالات، تحقیق ریتز، ص ۱۱۷ (تحقیق عبدالحمید، ص ۹۰). رک: شهرستانی، ژیماره، ص ۴۹۵، پی نوشت، ۱۱۴. ابوالحسن اشعری به ده گروه نخست به عنوان فرقه اشاره دارد. گروه‌های یازدهم تا بیست و چهارم بدون دلیلی مشخص به عنوان صنف اشاره شده است. امر مشابهی در ذیل غالیه رخ داده است. گروه‌های اول تا دهم هر کدام فرقه نامیده شده است و از گروه‌های یازدهم تا پانزدهم، صنف یاد شده است. (ابوالحسن اشعری، مقالات، تحقیق ریتز، ص ۱۶-۵؛ تحقیق محیی الدین عبدالحمید، ص ۸۸-۶۶).

۱۸- ابوالحسن اشعری، مقالات، تحقیق ریتز، ص ۱۸-۱۷؛ تحقیق عبدالحمید، ص ۹۰-۹۱. فرقه بیست و چهارم که با نام معرفی نشده، در حقیقت همان قطعیه است (تحقیق ریتز، ص ۳۰؛ تحقیق عبدالحمید، ص ۱۰۵-۱۰۴). تنها تفاوت این گروه با قطعیه این است که محمد بن حسن در نزد قطعیه قائم است، کسی که زمین را از عدل پر خواهد کرد، زمانی که زمین از ظلم پر گردد. در حالی که پیروان فرقه بیست و چهارم می‌گویند که او زمین را از عدل پر خواهد کرد و سپس زمین را ظلم فرا خواهد گرفت. (یقمع الظلم).

۱۹- رک: مسعودی، مروج، نمایه ذیل همین عنوان.

۲۰- مسعودی، مروج، ج ۵ ص ۱۰۸-۱۰۷ بند ۳۱۵۶. منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰ ص ۳۳۶. مورد ارجاع در پلا، مسعودی، ص ۷۴. ۲۱- مسعودی، مروج، ج ۵ ص ۱۰۸ بند ۳۱۵۶. برای این کتب که هر دو از دست رفته‌اند، رک: پلا، مسعودی، ص ۷۵؛ خالدی، تاریخ نگاری، ص ۱۵۷، ۱۵۸؛ Shboul.pp:۶۰-۶۳.

۲۲- کاربرد این واژه برای امام دوازدهم، کمتر از اصطلاح صاحب الزمان متداول است.

۲۳- مسعودی، مروج، ج ۴ ص ۶۲ بند ۲۲۶۱. مروج الذهب در سال ۳۳۲/۴۴۳-۴۴۳/۳۳۲ و ۳۳۲/۴۴۳-۴۴۳/۳۳۲ م بازنه‌نگاری شده است. مسعودی بار دیگر در سال ۳۴۵/۹۵۶ م کتاب را مورد تجدید نظر قرار داده است. متن تالیف شده در سال ۳۳۲-۳۳۲ ق تنها روایت موجود این کتاب است. (خالدی، تاریخ نگاری، ص ۱۵۶-۱۵۵؛ دائرة المعارف اسلام (E۱۲) ذیل المسعودی، نوشته شارل پلا.

۲۴- مسعودی، تنبیه، ص ۲۳۲-۲۳۱. به این علت در شهرستانی (ژیماره) ص ۴۹۷ پی نوشت ۱۱۶ نیز اشاره شده است.

۲۵- در روایت‌های متداول کتاب سلیم بن قیس چند جا ارجاعات به دوازده امام وجود دارد. اما این روایت که مسعودی نقل کرده در میان آنها نیست. این دانسته است که در اواخر قرن چهارم هجری/دهم میلادی، فقیهی زیدی مدعی بوده که روایت سلیم اشاره به دوازده امام به علاوه زید بن علی دارد. نجاشی، رجال، ج ۲ ص ۴۰۸ شماره ۱۱۸۶. بنگرید به بحث مدرسی، بحران، ص ۱۰۱-۱۰۰. تبیین بدیل این است که این روایت بازتاب دهنده عقیده به دوازده امام با در نظر گرفتن حسن به عنوان اولین امام است. از پیامبر نقل شده که ایشان و دوازده تن از نوادگانش و علی به عنوان اقطاب زمین هستند. (کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۵۳۴، شماره ۱۷).

مجلسی (بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۲۶۰) تلاش کرده تا روایت کلینی را با عقیده به دوازده امام وفق دهد.

۲۶- قس: عقیده‌ای که ابومطیع حنفی (متوفی ۳۱۸/۹۳۰ م) برای امامیه ذکر کرده است که جهان نمی‌تواند بدون امامی از اولاد حسین پنهان یا آشکار برپا باشد (برنارد، رد، ص ۸۲). اصطلاح اصحاب النسق را پیشتر جعفر بن حرب معتزلی (متوفی ۲۳۶/۵۱-۸۵۰ م) در اشاره به کسانی که به شمار لاینقطع امامان معتقدند، به کار برده است. (منسوب ناشی، اصول، ص ۲۳، ۲۶. متن عربی). در شهرستانی، ژیماره، ص ۴۷۶ پی نوشت اول به این مطلب اشاره شده است.

۲۷- رک: خالدی، تاریخ نگاری، ص ۱۴۵؛ ۴۱-۴۰؛ Shobul.Masudi.pp:۴۰-۴۱.

۲۸- مسعودی، تنبیه، ص ۲۳۱.

۲۹- برای بحث رک: خالدی، تاریخ نگاری، ص ۴۲-۴۱.

۳۰- برای دیدگاه‌های متفاوت میان عالمان امامی درباره کتاب سلیم بن قیس رک: کلبرگ، از امامیه تا اثنی عشریه، ص ۵۳۳-۵۳۲. برای مجادله بر سر حجیت خبر واحد در قرن چهارم و پنجم هجری/دهم - یازدهم میلادی میان شیعیان رک: مدرسی، مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۴۲-۳۲. برای کلیت مسئله رک: دائرة المعارف اسلام (E۱۲) ذیل خبر واحد، نوشته ج. ا. ج. یونبل؛ وائل حلاق، وثاقت. در مورد روش‌شناسی مسعودی، رک: خالدی، اندیشه، ص ۱۳۵؛ استوارت، راست اندیشی، ص ۶۷-۱۳۷، ۱۳۹، ۱۳۷. (برای بحث از وثاقت این کتاب در میان امامیه رک: آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲ ص ۱۵۹-۱۵۲. عالم امامی قرن چهارم ابوعبدالله محمد بن ابراهیم نعمانی در کتاب الغیبه به کرات به کتاب سلیم اشاره کرده است. به عنوان مثال رک: النعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق فارس حسون (قم، ۱۴۲۲) ص ۷۴. شیخ مفید نیز کتاب سلیم را با وجود مطالب صحیح در آن، چندان محل اعتماد نمی‌داند و آن را اثری که تخلیط و تدلیس صورت گرفته است، معرفی می‌کند. رک: مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه (سلسله مؤلفات الشیخ المفید) ج ۵ ص ۱۵۹-۱۵۸. مترجم).

۳۱- واکر، روایتی اسماعیلی، ص ۱۶۲؛ ابوتام، کتاب الشجره، مقدمه انگلیسی، ص ۳.

۳۲- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۲۶-۹۱ (متن عربی) ص ۱۱۵-۸۸ (متن انگلیسی).

۳۳- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۰۲ (متن عربی) و ص ۹۷ (متن انگلیسی).

۳۴- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۰۹ (متن عربی) ص ۱۰۲ (متن انگلیسی).

۳۵- در یک جا ابوتام مفضلیه را همان قطعیه دانسته است (کتاب الشجره، ص ۱۲۴ (متن عربی) ص ۱۱۴ (متن انگلیسی) رک: بخش انگلیسی، ص ۱۱۲ پی نوشت ۲۵۷.

۳۶- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۲۲ (متن عربی) ص ۱۱۲ (متن انگلیسی).

۳۷- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۲۲ (متن عربی) ص ۱۱۲ (متن

انگلیسی).

۳۸- در متن نام احمد بن موسی بن جعفر میان موسی بن جعفر و علی بن موسی قرار دارد. قرار داشتن این نام در این فهرست مبهم است، چرا که تعداد ائمه در این صورت به پانزده تن می‌رسد.

۳۹- ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۲۳ (متن عربی) ص ۱۳-۱۱۲ (متن انگلیسی). پیروان گروه دوم و سوم ظاهراً میان دو دسته امام تمایزی نهاده بودند. کسانی که در زمره دوازده امام‌اند و کسانی که جزء آن‌ها نیستند. علی یا علی و حسن به دسته دوم تعلق دارند. شکل چهارم به عنوان دوازده امامی وصف شده‌اند ابوتام، کتاب الشجره، ص ۱۲۳ (متن عربی) ص ۱۱۳ (متن انگلیسی). دیدگاه آن‌ها تداعی گر اصحاب النسق ذکر شده توسط مسعودی است.

۴۰- واکر، روایت اسماعیلی، ص ۱۶۵. قس باسورث: الخوارزمی، ص ۸۰؛ فان اس، کلام، ج ۴ ص ۱۶۵-۱۶۷، ۳۵۳. این سؤال که ابوتام و خوارزمی آیا منابع مشترکی داشته‌اند را واکر در یک روایت اسماعیلی مورد بحث قرار داده است. ص ۱۶۷-۱۶۵. قس: ابوتام، کتاب الشجره، مقدمه انگلیسی، ص ۱۳-۱۰.

۴۱- خوارزمی، مفاتیح العلوم، ص ۳۳-۳۲ قس: باسورث، الخوارزمی، ص ۹۱.

۴۲- ابن الهیثم، مناظرات، ص ۳ (متن عربی) ص ۶۵ (متن انگلیسی).

۴۳- ابن الهیثم، مناظرات، ص ۳۶ (متن عربی)، ص ۹۲ (متن انگلیسی).

۴۴- مناظرات، ص ۴۰-۳۸ (متن عربی)، ص ۹۵-۹۳ (متن انگلیسی).
۴۵- مناظرات، ص ۳۷ (متن عربی)، ص ۹۲ (متن انگلیسی و رک: پی نوشت، ۳۴).

۴۶- مناظرات، مقدمه انگلیسی، ص ۴۷.

۴۷- بررسی اساساً مبتنی است بر تحقیق کلمه اثنا/اثنی عشریه در سی دی فشرده با عنوان «کتب ما قبل الشیخ الطوسی و کتبه» که در آن حدود دویست کتاب امامی ثبت شده، مبتنی است. در این سی دی کتب مختلف امامی از دوره قبل از آل بویه و شماری از آثار غیر امامی موجود است. من وام دار آقای Avraham Hakim هستم که این سی دی را در اختیارم قرار داد.

۴۸- مرتضی، فصول، ص ۲۶۶-۲۳۹ منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۲۸-۱.

۴۹- «مع ان الامامیه الاثنی عشریه اولی به فی الحقیقه من الجميع، لان صاحبهم اسمه اسم رسول الله (ص) و کتبه کتبه». مرتضی، فصول، ص ۲۴۶؛ منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۸.

۵۰- مرتضی، فصول، ص ۲۶۱؛ منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۲۳.

۵۱- مرتضی، رسائل، ج ۳ ص ۱۴۶-۱۴۵. متن این رساله در سی دی ذکر شده در قبل نیست.

۵۲- خرجنا عن التسمی (به جای من القول) باثنا عشریه بخوانید. رک:



رسائل، ص ۱۴۶ سطر نهم.

۵۳- رک: احادیث ارایه شده توسط امیر معزی در Guide. divin, pp: ۲۹۸-۲۹۹ = Divine Guide, p: ۱۲۲. n. ۶۶۶, ۶۶۵

۵۴- مرتضی، رسائل، ج ۳ ص ۱۴۶.

۵۵- در مورد او رک: ماخذ ذکر شده در کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس،

ص ۱۴۰-۲۳۹. شماره ۳۳۱.

۵۶- عمری، مجدی، ص ۱۲۸.

۵۷- حتی می‌توان ارجاعات دیگر را جمع نمود که تصویر ارایه شده را

به نحو محسوس تغییر نخواهد داد.

۵۸- به عنوان رساله فی الاعتقاد و دین الامامیه نیز شناخته شده است. برای عقیده به دوازده امام رک: ابن بابویه، اعتقاد، ص ۱۰۳ (ترجمه انگلیسی، ص ۹۶-۹۵).

۵۹- به عنوان مثال رک: مفید، اوائل المقالات، ص ۱۰ (امامیه توافق

دارند که دوازده امام بعد از پیامبر وجود دارد).

۶۰- مفید، به شیعه امامیه به عنوان منتظران بازگشت امام دوازدهم



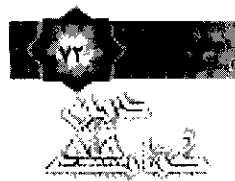
می‌گیرند. جای تحقیق دارد که تا چه حد در این آثار اصطلاح اثنی عشریه به کار رفته است.

۶۷- باقی مانده است. کشف الظنون، ج ۲ ص ۱۷۸۲، ۱۸۲۰، ۱۸۲۱؛ اقبال، عباس، خاندان نوبختی، ص ۱۳۷، ۱۳۸. در مواردی منقولانی از این گونه آثار باقی مانده است. اهمیت این نقلها برای مطالعات تحولات فرق بسیار مهم است. به عنوان مثال دوازده نقل قول از کتاب الاستقامة نوشته ابوعاصم بن خشیش اصرم متوفی ۲۵۳ ق (در مورد وی فی المثل رک: المزی، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م) ج ۸ ص ۲۵۱-۲۵۳) در کتاب التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع نگاشته ابوالحسن ملطی (متوفی ۳۷۷ق) قابل ذکر است. رک: الملطی، ابوالحسن محمد بن احمد، التنبیه و الرد، تحقیق محمد زاهد الکوثری (مصر، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م) ص ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳ و ۱۶۴. نکته جالب توجه در مورد این منقولات گاه تشابه آنها با یکدیگر است. عالم مشهور امامی قرن سوم ابوعیسی وراق (متوفی بعد از ۲۵۰ق) در اثر مهم خویش به نام المقالات در رد بر سوفسطائیان عبارتی را آورده است که همان را به عینه کعبی در کتاب المقالات خود به عنوان بهترین مناظرات خود با سوفسطائیان نقل کرده است. رک: تناوتی، عبدالکافی، الموجز، تحقیق عبدالرحمن عمیره (بیروت، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م) ج ۱ ص ۵۶. ۶۰. طبقات المعتزله، ابن الوزیر (بیروت، ۱۴۰۹ق) ص ۸۹.

۶۸- قدیمی ترین نسخه موجود از کتاب فرق الشیعه، نسخه‌ای کتابت شده توسط احمد بن شرف الدین حسین بن ابی القاسم بن حسین بن محمد بن العودی الحلی الاسدی، به تاریخ روز یکشنبه، شعبان ۷۴۰ق است. این نسخه یکی از چند نسخه مجموعه منحصر به فرد خطی است که اصل نسخه آن در بادلیان، نسخ عربی، ۶۴ ف نگهداری می‌شود. رک: مدرسی، حسین، مفاوضه‌ای در مسأله شیئیت معدوم، مجله تاریخ و فرهنگ معاصر، سال دوم، شماره هشتم (۱۳۷۲) ص ۸۵-۸۷. این نسخه در اختیار علماء عراق بوده و مکرر از روی آن رونویسی کرده‌اند. مدرسی، حسین، همان، ص ۸۴؛ اقبال، عباس، خاندان نوبختی، ص ۱۲۲. اساس این استنساخها از روی نسخه ابن العودی بوده است. همچنین قس: حسینی، محمد رضا، فرق الشیعه یا مقالات الامامیه اثر نوبختی یا اشعری؟ ترجمه جویا جهانبخش، کتاب ماه (دین) شماره ۳۶ (۱۴۲۱ق/۲۰۰۰م) ص ۹. همچنین مبنای چاپ هلموت ریتز نیز همین نسخه بوده است. نام کتاب در نسخه خطی این گونه معرفی شده است: «کتاب فی مذاهب فرق الامامة و اسماؤها و ذکر اهل مستقیمها من سقیمها و اختلافها و عددها» تألیف الشیخ ابی محمد الحسن بن موسی النوبختی رحمه الله (نسخه عکسی، قم کتابخانه محقق طباطبائی، برگ ب ۱۳). در آخر نسخه کاتب مجموعه نوشته است: «فرغ من کتابته الفقیر الی الله تعالی احمد بن حسین العودی یوم الاحد الرابع من العشر الاول من شهر سعید المبارک من سنة اربعین و سبعمائة حامداً البریة و مستغفراً من ذنبه، بمنه و کرمه» (برگ ب ۵۵). به خط متفاوتی از خط کاتب اصلی در بین سطوره نوشته شده است: «بلغ مقابلته علی نسخه مصححة... سجع محمد شریف است عبد رضا ۱۰۴۵ق بر نسخه مشهود است». نقلی از کتاب نوبختی با عنوان



اشاره دارد. مفید، ارشاد، ص ۳۴۵، ترجمه هوارد، ص ۵۲۳. ۶۹- ارجاعات در این کتاب اکثراً به امامیه است. (مفید، غیبت، سراسر کتاب) و گاهی به شیعه امامیه. ص ۱۸۰۱۶. ۶۲- این سخن شیخ مفید مد نظر است که گفته، تمام فرق شیعه از امامیه منشعب شده‌اند (مفید، اوائل المقالات، ص ۷؛ مرتضی، فصول، ص ۲۴۰-۲۳۹؛ منقول در مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱). ۶۳- بغدادی، فرق، ص ۶۴ قس ص ۲۳، ۵۳ (عبارت را القطعیه و الاثناعشریه بخوانید. رک: Friedlander, Heterodoxies, II, p: ۵۲). ۶۴- اسفراینی، تبصیر، ص ۴۲. قس، حمیری (متوفی ۵۷۳ق/ ۱۱۷۷-۸م)، حور العین، ص ۱۶۶ (کسانی که به دوازده امام معتقدند، قطعیه یا اثناعشریه نامیده شده‌اند). ۶۵- شهرستانی، ژیماره، ص ۴۹۷-۵۰۶. به خصوص، ص ۵۰۳. ۶۶- مؤلفان غیر امامی معاصر، نام‌های قدیمی چون رافضه را به کار



مقالات الشیعه را جمال الدین مزی در مورد جارودیه نقل کرده است. گرچه این نقل با روایت موجود در کتاب نوبختی تفاوت دارد. رک: المزی، جمال الدین ابی الحجاج، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد معروف (بیروت، ۱۴۱۳/ق/۱۹۹۲م) ج ۹ ص ۵۱۹. ۵۲۰. مطلب نقل شده را مقایسه کنید با: منسوب الناشی الاکبر، مسائل الامامة، تحقیق یوسف فان اس (بیروت، ۱۹۷۱) ص ۹.

۶۹- رک: اقبال، عباس، خاندان نوبختی، (تهران، ۱۳۵۷) ص ۱۴۰. ۱۶۵. مرحوم اقبال از این تشابه به لحاظ آنکه نوعی سرقت ادبی شمرده می شود خرده گرفته و شان نوبختی و اشعری را از چنین کاری بری دانسته است. همان، ص ۱۵۶. نقل مطالب از کتاب های دیگر در این دوره، سرقت ادبی تلقی نمی شده است. در مورد مفهوم متفاوت از سرقت و اقتباس ادبی در قرون میانه و تلقی متفاوت نویسندگان مسلمان از این مساله رک: Grunebaum, G. Von, The Concept of Plagiagrisim in Arabic Theory, Journal of Near Eastern Studies, ۲۳(۱۹۶۴) ۵۳-۲۳۴.

۷۰- مادلونگ، ویلفرد، ملاحظات پیرامون کتابشناسی فرق امامی، ترجمه چنگیز پهلوان، در زمینه ایران شناسی، به کوشش چنگیز پهلوان، ۱۳۶۸، ص ۵۶-۷۵.

۷۱- النوبختی، ابو محمد حسن بن موسی، فرق الشیعه، تحقیق السید محمد صادق آل بحر العلوم (نجف، ۱۳۵۵/ق/۱۹۳۶م) ص ۷۶. استرن در تذکرات خود در ترجمه بخش اسماعیلیه فرق الشیعه می نویسد: «مؤلف به زمان گذشته اشاره دارد، وقتی که قریطیان تنها در سواد کوفه حضور داشته اند (که برای نخستین بار در سال ۲۶۱/ق/۸۷۴م) حضورشان در سواد مورد اشاره قرار گرفته است. در زمانی که مؤلف در حال نوشتن بوده است، آنها پیروان بی شماری در یمن یافته بودند. در یمن اسماعیلیه را ابن حوشب و علی بن فضل در سال ۲۷۰ق اشاعه دادند و در عربستان شرقی که ابوسعید جنبی در همان زمان جابایی برای خود یافته بود. استرن، همان، ص ۴۸.

۷۲- الاشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تحقیق محمد جواد مشکور (تهران، ۱۳۶۰ش) ص ۸۶.

۷۳- مرحوم شیخ الاسلام زنجانی از مقایسه متن دو کتاب نیز تالیف سعد را متاخرتر از نوبختی دانسته است. اقبال، عباس، همان، ص ۱۵۷. دآوری عباس اقبال که هیچ سندی در دست نداریم که تالیف نوبختی مقدم بر اشعری باشد، خطاست. رک: اقبال، عباس، همان، ص ۱۵۸. مادلونگ نیز در این باره نگاشته است: «بعد از وفات هشام آراء وی را شاگردانش یونس بن عبدالرحمن (متوفی ۲۰۸/ق/۸۲۳م) و محمد بن خلیل سکاک ترویج کرده اند. از آثار متعدد هشام که در الفهرست ابن ندیم ذکر شده است، هیچ یک موجود نیستند. کتاب اختلاف الناس فی الامامة احتمالاً مورد استفاده حسن بن موسی نوبختی به عنوان اساسی در تالیف کتابش فرق الشیعه بوده است». رک:

Elī.s.v. Hasham b.Hakam by Wilferd Madelung, Vol:۳, p.۴۹۷b

۷۴- مادلونگ در جایی دیگر بر تکمله ای بر مقاله ساموئل. م. استرن با عنوان «روایت ناظر به اسماعیلیه در کتاب فرق الشیعه» که در کتاب (۱۹۸۳، Leiden) Studies in Early Ismailism چاپ شده است، می نویسد: استرن در مقدمه مقاله حاضر از ارتباط بین دو کتاب در مورد فرق الشیعه منسوب به حسن بن موسی نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری قمی سخن گفته و با تذکر به اینکه کل متن هر دو کتاب که چاپ شده اند، همانندی دارند، او این را نامحتمل نمی داند که سعد بن عبدالله اثر معاصرش را به تمامی رونویسی کرده باشد و تنها مطالبی را بر آن در جاهای مختلف افزوده باشد، همانگونه که محمد جواد مشکور، مصحح کتاب منسوب به سعد بن عبدالله آنرا پیشنهاد کرده است. استرن این نظر را مطرح می کند که دو کتاب به احتمال قوی تنها روایت کوتاهتر یا مفصلتر کتاب نگاشته یک مؤلف باشند که اختلافشان تنها به واسطه روایت آنها توسط راویان است. مساله تعیین هویت این مؤلف را استرن به بعد موکول کرده است. او تذکر می دهد که برخی منقولات قدیمی چه به نقل از نوبختی یا اشعری به شناخت مؤلف کمک نکنند، چرا که این مطالب در هر دو چاپ یافت می گردند. به هر حال این پذیرفتنی است که هر دو مؤلف تا حد زیادی بر منابع مشترک تکیه کرده باشند. ارتباط بین دو کتاب را مادلونگ خود در مقاله ای جداگانه مورد بررسی قرار داده است و در این مورد می نویسد: این مطالعه نشان می دهد که تفاوت بین دو متن اساسی تر از آن است که استرن بر اساس اظهارات مشکور می اندیشیده است. کتاب منسوب به سعد بن عبدالله اشعری تنها حاوی اضافات نسبت به اثر منسوب به اثر نوبختی نیست که همچنین افتادگی ها و تغییراتی در ترتیب مطلب دارد. بر اساس برخی ارجاعات به وقایع تاریخی مادلونگ پیشنهاد کرده است که تاریخ تحریر کتاب منسوب به نوبختی قبل از سال ۲۸۶/ق/۸۹۹م و اثر منسوب به سعد بن عبدالله قبل از ۲۹۲/ق/۹۰۵م نگاشته شده است. در توافق با عقیده استرن، مادلونگ این نظر را مطرح می کند که بخشی از هر دو کتاب مبتنی بر اثری قدیمی تر از قرن دوم باشند که احتمالاً همان کتاب اختلاف الناس فی الامامة نوشته هشام بن حکم است. با وجودی که مادلونگ صحت انتساب متون چاپ شده را به نوبختی و اشعری می پذیرد، تذکر می دهد که سعد به نحو گسترده ای از کتاب نوبختی رونویسی کرده است. در پرتو این مطالعه نظر استرن که تفاوت بین دو اثر چایی تنها نتیجه روایت متن است، چندان پذیرفتنی نیست. همان، ص ۴۷-۴۸.

۷۵- بنگرید به: فرق الشیعه، ص ۳۶، ۵۱، ۵۳ و ۸۲. عبارت های مثل فهم بعرفون به اليوم، اجروها فی ولد عیسی الی اليوم توصیف کننده حوادث قرن دوم است. در مورد عبارتهای مشابه به ترتیب ذکر شده در قبل رک: اشعری، المقالات و الفرق، ص ۴۴ (به جای عبارت فانها تثبت الامامة فی ولد العباس و قادوها الی اليوم، اشعری می نویسد: «ثم ان الامر انتقل الی محمد بن علی ابی جعفر فهو صاحب الامر و طاعته فرض»). ص ۴۴، ۶۸، ۷۰، ۹۳.

۷۶- در مورد وی رک: الفهرست، ابن ندیم، تحقیق رضا تجدد (تهران، ۱۳۹۲) ص ۲۷۶؛ اقبال، عباس، خاندان نوبختی، ص ۸۲. ۸۳. گرچه شواهد





نشانگر استفاده از آثار دیگر نیز می‌باشد. مادلونگ این منبع را کتاب المقالات نوشته ابوعیسی وراق می‌داند. مادلونگ، ویلفرد، ملاحظاتی پیرامون کتابشناسی فرق امامی، ص ۷۱-۷۳. از آنجایی که وراق در آغاز شیعه نبوده است، اشکالی که آقای مدرسی درباره منابع این کتاب مطرح کرده است، چندان قابل پذیرش نخواهد بود. رک: مدرسی، حسین، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، ص ۲۴۳.

۷۷- رجال النجاشی، ص ۴۴۶-۴۴۸.

۷۸- فرق الشیعه، ص ۸۲؛ المقالات، ص ۹۲. ظاهراً عبارت نقل شده در این دو کتاب نقل به معنی باشد. ابوتمام این خبر را آورده و چنین نگاشته است: «و بعض مخالفیهم یسمونهم (منظور مخالفان واقفیه است) الممطورة و یقال ان سبب ذلك ان رجلاً منهم ناظر یونس بن عبد الرحمن و هو من القطعیه، فقال یونس: لانتم اهون علی من الکلاب الممطورة، فلزمهم هذا الاسم». ابوتمام، کتاب الشجرة، (باب الشیطان من کتاب الشجرة) تحقیق پاول واکر و ویلفرد مادلونگ (لیدن، ۱۹۹۸) متن عربی، ص ۱۲۴.

۷۹- مادلونگ در مورد زمان وفات هشام بن حکم می‌نویسد: «گفته شده است که هارون الرشید به آراء هشام بن حکم علاقه‌مند بوده است و سپس آنها را خطرناک یافت و دستور زندانی کردن امام موسی کاظم علیه السلام را داد. در پی آن هشام مجبور گردید که پنهان گردد و اندکی بعد از آن در ۱۷۹ق/ ۶-۷۹۵م درگذشت. دیگر روایات که بیان می‌دارند وفات هشام اندکی بعد از زوال برمکیان (۱۸۶/ ۸۰۳) یا در سال ۱۹۹/ ۱۵-۸۱۴ یا در دوره خلافت مامون بوده است، موثق نیستند». دائرة المعارف اسلام (E12) مدخل هشام بن حکم، ج ۳ ص الف ۴۹۷؛ همچنین قس: اقبال، عباس، خاندان نوبختی، ص ۷۹-۸۰. بدون ذکر منبعی تاریخ وفات هشام را ۱۹۹ق ذکر کرده است. نجاشی تأکید دارد که هشام در سال ۱۷۹ق درگذشته است. رک: النجاشی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی (قم، ۱۴۱۸ق) ص ۴۳۳.

۸۰- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۸۲-۴۸۳. این عبارتها را نوبختی نیآورده است، ولی سعد بخشی از آن را نقل کرده است. اشعری، المقالات و الفرق، ص ۶۲-۶۳ قس: اقبال، عباس، خاندان نوبختی، ص ۱۴۵.

۸۱- نجاشی، رجال النجاشی، ص ۴۴۸، ۳۳۳. مؤید دیگر در استفاده از کتاب یونس بن عبد الرحمن منقولات زیر در کتاب اشعری است. اشعری در نقل برخی اخبار خود از این طریق منقولاتی آورده است: «و حکى محمد بن عيسى بن عبيد بن يقطين عن يونس بن عبد الرحمن ان الغلاة يرجعون على اختلافهم الى مقالتيهما هما اصلهم في التوحيد...» اشعری، المقالات و الفرق، ص ۶۲ (این احتمال را می‌توان مطرح کرد که این نقل از کتاب الامامة نوشته محمد بن عیسی بن عبید اخذ شده باشد). در ادامه از روسا واقفه سخن رفته است و بیان شده است که «و اما محمد بن بشير فان محمد بن عيسى بن عبيد حكى ان يونس بن عبد الرحمن اخبره...» (این نقل می‌تواند از کتاب الواضح الكمشوف فی الرد علی اهل الوقوف نیز باشد. رک: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۳۴) همو، المقالات

و الفرق، ص ۶۲. این بخش را کشی نیز به نقل از سعد بن عبدالله اشعری آورده است. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۷۸-۴۸۱. هیچ بخشی از این منقولات در کتاب نوبختی موجود نیست. راوی این خبر برای احمد بن عیسی بن عبید، عثمان بن عیسی کلابی از شیوخ واقفه و از افراد برجسته آنها بوده که بعدها به قطعیه پیوست. وی ظاهراً قبل از سال ۲۰۳ق درگذشته است. نجاشی در ضمن طریق روایت کتب وی می‌نویسد: «و اخبرني والدي... عن سعد (بن عبدالله اشعری) عن احمد بن محمد بن عيسى عن عثمان بن عيسى بكتبه». رجال النجاشی، ص ۳۰۰.

کتابشناسی:

- القاضی عبدالجبار بن احمد، المغنی فی ابواب التوحید والعدل، ج ۲۰ (فی الامامة) تحقیق عبدالعلیم محمود و سلیمان دنیا (قاهره، بی‌تا) - ابوتمام، کتاب الشجرة

An Ismaili Heresiography: The Bab al-shaytan from Abu Tammam's Kitab al-shajara, Wilferd Madelung and Paul E. Walker, eds. and tr., Leiden, ۱۹۹۸.

- Amir - Moezzi, Mohammad Ali, The Divine Guide in Early shiism: The Sources of Esotericism in Islam. tr. David Streight, Albany. ۱۹۹۴.

- idem, Le guide divin dans le shiisme originel. Aux Sources de l'esoterisme en Islam. Paris - Lagrasse ۱۹۹۲.

- ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق هلموت ریتز (استانبول، ۱۹۲۹-۳۳)، چاپ دیگر تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۸۹/ ۱۹۶۹

- عبدالقاهر البغدادی، الفرق بین الفرق، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره ۱۳۸۴/ ۱۹۶۴

- Marie Bernard, 'Le Kitab al-radd ala l-bida



art, XIV.

- idem, The Term Rafida in Imami shii Usage, Journal of the American Oriental Society ٩٩.٤ (١٩٧٩) ٦٧٧-٦٧٩. repr. Belief and law, art. Iv
- idem, A Medieval Muslim Scholar at work: Ibn Tawas and his Library Leiden, ١٩٩٢

- أبو جعفر محمد بن يعقوب الكليني، الكافي، تهران ١٣٧٥-٧.

١٩٥٥-٥٧.

- Wilferd Madelung, Bemerkungen Zur imamitischen Friaq - Literatur, Der Islam ٤٣ (١٩٦٧) ٣٧-٥٢ repr. Religious schools and Sects in Medieval Islam London, ١٩٨٥ art XV

- محمد باقر المجلسي، بحار الانوار، تهران ١٣٧٦-٩٤ / ١٩٥٦-٧٤

- جواد مشكور، فرق الشيعة نوبختي، تهران ١٩٨٠ : traduction
(An - Nawbakhti: Les Sectes Shiites traduction onnotes avec introduction)

- ابوالحسن المسعودي، كتاب مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق

شارل پلا، بيروت ١٩٦٦-٧٩.

- كتاب التنبيه والاشراف، تحقيق م. ج. دخويه، لندن ١٩٨٣-٩٤.

- Modarressi, Hossein, Crisis and Consolidation in the Formative Period of shiite Islam, Princeton, ١٩٩٣

- idem, An Introduction to shii law, London, ١٩٨٤.

- ابو عبدالله محمد بن محمد بن محمد الشافعي، اوائل المقالات، تحقيق

فضل الله الزنجاني، تبريز ١٣٧١ / ١٩٥١-٥٢.

- الفصول العشرة في الغيبة، نجف ١٣٧٠ / ١٩٥١.

- الارشاد، بيروت ١٣٩٩ / ١٩٧٩، ترجمه I. K. A. Howard لندن ١٩٨١.

- الشريف المرتضى، الفصول المختارة، بيروت ١٣٨٥ / ١٤٠٥

- رسائل الشريف المرتضى، تحقيق احمد حسيني و مهدي رجائي، قم

١٩٨٥ / ١٤٠٥.

- آقابزرگ التهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، تهران ١٣٥٥-١٤٠٥.

- ابن ملاحمي، ركن الدين محمود الخوارزمي، كتاب المعتمد في

اصول الدين، تحقيق مارتين مكدروموت و ويلفرد مادلونگ، لندن ١٩٩١.

- ابن ابي جمهور الاحسايني، كشف البراهين في شرح زاد المسافرين في

اصول الدين، نسخة خطي اينديا آفيس، شماره ٤٧١.

- كتاب المجلى مرآة المنجى، تهران ١٣٣٤ / ١٣٠٦.

- محمود مدرسي زنجاني، يادبود هفتصدمين سال خواجه نصير طوسي؛

سرگذشت و عقايد فلسفي خواجه نصير الدين طوسي، تهران ١٣٣٥ / ١٩٥٦.

d'Abu Muti Makhul al-Nasafi", Annales

Islamologiques ١٦ (١٩٨٠) ٣٩-١٢٦.

- C. E. Bosworth, al-Hwarazmi on Theology and Sects: The chapter on Kalam in the Mafatih al-Ulum, Bulletin d'Etudes Orientales ٢٩ (١٩٧٧) ٨٥-٩٥.

- EI٢ (دائرة المعارف اسلام) The Encyclopaedia

of Islam. new edition, Leiden

Encyclopaedia Iranica، دائرة المعارف ايرانيكا

ed Ehsan Yarshater, London, ١٩٨٥.

- Josef Van Ess, Theologie und Gesellschaft im ٢. und ٣. Jahrhundert Hidschra. Berlin and Newyork, ١٩٩١-٧

- Israel Friedlaender, The Heterodoxies of the shiite, NewHaven, ١٩٠٩.

- Wael B. Hallaq, "The Authenticity of prophetic Hadith: a Pseudo-Problem" Studia Islamica ٨٩ (١٩٩٩) ٧٥-٩٠.

- Heinz Halm, The Empire of the Mahdi: The Rise of the Fatimids, tr, Michael Bonner, Lieden ١٩٩٦.

- idem, Das Reich des Mahdi, Munich, ١٩٩١.

- ابوسعيد نشوان الحميري، الحورالعين، تحقيق كامل مصطفى، قاهره ١٩٤٨.

- ابن بابويه، اعتقادات الاماميه، ترجمه آصف على اصغر فيضي

(A shiite Creed) لندن، ١٩٤٢.

- رساله في الاعتقادات، تهران ١٣١٧ ق / ١٩٠٠-١٨٩٩ م.

- ابوعبدالله جعفر بن احمد ابن الهيثم، كتاب المناظرات

(The Advent of the Fatimids: A Contemporary hii Witness)

تحقيق ويلفرد مادلونگ و پاول. اى. واكر، لندن ٢٠٠٠

- ادريس بن حسن عماد الدين، عيون الاخبار و فنون الآثار، ج ٥، تحقيق

مصطفى غالب، بيروت ١٩٧٥.

- ابوالمظفر شاهفور بن طاهر الاسفرايني، التبصير في الدين، تحقيق

محمد زاهد بن الحسن اكوتري، قاهره ١٣٢٤ / ١٩٥٥.

- tarif Khalidi, Islamic Historiography: The Histories of Masudi, Albany ١٩٧٥.

- idem, Arabic Historical Thought in the Classical Period, Cambridge, ١٩٩٤.

- ابوعبدالله محمد بن احمد بن يوسف الخوارزمي الكاتب، كتاب مفاتيح

العلوم، تحقيق جى. وان. فلوطن، لندن ١٨٩٥.

- Etan Kohlberg, 'from Imamiyya to Ithna -

ashariyya, BSOAS, ٣٩/٣ (١٩٧٦) ٥٢١-٥٣٤, repr.

Belief and law in Imami shiism, Aldershot, ١٩٩١,